تا زمانی که «غرب» تروریست تولید کند،

سوء قصد وجود خواهد داشت.

**مارک شر لوپرن برگردان شهباز نخعی**

دو روز پیش در بغداد بمبی منفجر شد، دیروز در لندن جنایتکاران دست به کشتار زدند، امروز در پاریس یک اتومبیل به پلیس حمله کرد، و فردا؟ پانزده سال پس از آغاز «جنگ علیه تروریسم» انجام شده توسط ایالات متحده و پیروی شده توسط اغلب کشورهای غربی از جمله فرانسه، شمار حملاتی که «تروریستی» توصیف می شود بیش از پیش افزایش می یابد. آیا زمان آن نرسیده که «غرب» درمورد مسئولیت هایش از خود پرسش کند و درمورد ناکارآمدی «راه حل های» پلیسی و نظامی علیه نیروهای جهادی بیندیشد و مسئولیت خود را در «تولید تروریست ها» بپذیرد؟

در اروپا، پس از ظهور «حکومت اسلامی» (داعش) در سال 2014 و حملات هوایی ائتلاف به رهبری ایالات متحده، سوء قصدهای مربوط به آن تاکنون 339 قربانی داشته که 237 تن در فرانسه، 37 تن در انگلستان، 36 تن در بلژیک، 12 تن در آلمان، 5 تن در سوئد و 2 تن در دانمارک بوده است.

در عراق، سوء قصدهای انجام شده توسط این سازمان جهادگر هرسال به طور متوسط 1500 قربانی از مردم غیرنظامی می گیرد و این سوای کسانی است که در نبرد با نیروهای عراقی و متحدان آن کشته می شوند. دردیگر کشورهای عرب- مسلمان که زیر ضربه داعش و شعبه های محلی آن هستند نیز، با آن که میزان تلفات کمتر است، هرسال دستکم صدها تن در تونس، افغانستان و یمن کشته می شوند.

«جنگ علیه تروریسم» از زمان آغاز آن توسط جرج دبلیو بوش درپی فاجعه تروریستی 11 سپتامبر 2001 (با 2993 کشته) بین 500 هزار و یک میلیون تن قربانی داشته و این امر تنها درخدمت جاه طلبی های سیاسی محافظه کاران نویی که در آمریکا قدرت را در دست داشتند بوده است. همچنین، از آن تاریخ تاکنون، 544 تن در اروپا و 111 تن در ایالات متحده قربانی سوء قصدهای جهادگران شده اند که مجموع آنها 655 تن می شود. این به معنای آن است که دربرابر هر 1000 قربانی این جنگ در «شرق»، که تنها چند تن از آنها جهادگر هستند، یک قربانی غربی وجود دارد. آیا این یک گفتمان تبلیغاتی به نفع داعش یا القاعده است؟ نه، تنها بیان واقعیت است.

بهایی که پرداخت می شود

خود 11 سپتامبر 2001 چیزی جز بخشی از یک روند فزاینده نبود که القاعده از سال 1992 علیه ایالات متحده در آفریقا، عربستان سعودی، یمن، فیلیپین و نیز خود آمریکا آغاز کرده بود. البته این حمله از قبلی ها بسیار مهم تر بود و لی بخشی از یک تداوم به شمار می آمد. ازنظر اصولی پدیده ای جدید نبود. همه این سوء قصدها، از جمله 11 سپتامبر، درواقع «پاسخی» به حضور سنگین و گسترده نظامی آمریکا درعربستان سعودی پس از اشغال کویت توسط عراق درسال 1990 بود که خود نیز بین 500 تا 700 هزار قربانی غیرنظامی براثر تحریم های اِعمال شده برعراق درسال های دهه 1990 به جا گذاشته بود. مادلن آلبرایت، وزیرخارجه وقت ایالات متحده درسال 1996 برآورد «سازمان جهانی غذا و کشاورزی» که شمار قربانیان را نیم میلیون تن اعلام کرده بود را «بهایی که به زحمتش می ارزد» تفسیر کرده بود.درهمان زمان واشنگتن نسبت به برخی از این سوء قصدها، به ویژه درسال 1998، از طریق بمباران پایگاه های القاعده در افغانستان و سودان واکنش نشان داده بود.

از بیش از 15 سال پیش، مداخله گری غرب در خاور نزدیک تنها با عنوان «مبارزه علیه تروریسم» توجیه می شود. اما، آیا باید بازهم تکرار کرد که ابزارهای به کارگرفته شده – مداخله نظامی و پشتیبانی از رژیم های سرکوبگر «متحد غرب» - تنها ریشه های جهادگری را تقویت می کند. این را نیز به یاد بیاوریم که تروریسم یک روش عملکرد است و نه یک مجتمع یا ایدیولوژی یا مذهب. درمورد جهادگری، اعم از این که در خاور نزدیک یا آفریقا باشد، جنبشی واکنشی نسبت به چیزی است که به چشم یک تجاوز دیده می شود. در سراسر تاریخ، این جنبش هرگز آغازگر نبوده بلکه جنبه پاسخگویی داشته و شاخه های افراطی آن به تروریسم روآورده اند. جوهر اصلی آن نظم سیاسی است و نه مذهبی و این امر درمورد عراق، یمن و ساحل صادق است. عامل مذهب دراین مورد تنها یک تشعشع هویتی است که اسلام مرجع اجتماعی مولد آن است.

«آنها به ارزش های ما حمله می کنند»

در غرب، با هر سوء قصد تازه جهادگران، همان گفتمان ازسر گرفته می شود و پرگویی های خسته کننده برای افکار عمومی، ازسوی طبقه سیاسی یا رسانه ها ازسر گرفته می شود: «آنها به ارزش ها، دموکراسی و آزادی های ما حمله می کنند». تنها بُعد مذهبی افراطی جهادگری به نمایش گذارده می شود: این نبرد ایدئولوژیک اسلامی علیه «ارزش ها»ی غربی است. «رادیکال شدن» یک فرد با وابستگی او به این ایدیولوژی سنجیده می شود. این برداشت که در فرانسه اسلام شناسان از آن دفاع می کنند، چنان رسانه ای و متداول شده که بازتاب و طنین آن بیشتر از بخشی از طبقه سیاسی فرانسه است و در ترس ها و تخیلات مردم جا گرفته است.

هنگامی که داعش در بازارها یا مساجد محله های شیعه عراق سوء قصدی انجام می دهد، به چه «ارزشی» حمله می کند؟ آزادی؟ دموکراسی؟ آیا این کار تنها به خاطر این که آنها شیعه هستند انجام می شود یا برای این که سنی ها از زمانی که شیعیان قدرت را در بغداد در دست دارند، به حاشیه رانده شده و سرکوب شده اند؟ سوء قصدهای داعش در عربستان سعودی، که واقعیت دارد ولی کمتر درباره آنها حرف زده می شود، علیه هدف هایی که هم سنی و هم شیعه اند انجام می شود، آیا آزادی و دموکراسی را هدف گرفته است؟ آیا آنها، چنان که القاعده بارها درسال های دهه 2000 در عربستان انجام داد، سعی نمی کنند عربستان سعودی که متحد «غرب» است را بی ثبات کنند؟ هدف سوء قصدها علیه کلیساهای قبطی در مصر چه کسانی هستند؟ آیا فقط مسیحیان به صرف مسیحی بودن، مانند مجموع سوء قصدهایی که در مصر پس از کودتای سال 2013 افزایش چندبرابری داشته هدف هستند یا رژیم مارشال عبدالفتاح السیسی که با تمام قدرت و بدون محدودیت اخوان المسلمین و حتی اپوزیسون غیرمذهبی را سرکوب می کند؟

برهمین روال، گروه های جهادگر در «ساحل» به چه چیز حمله می کنند؟ به آزادی و دموکراسی یا رژیم هایی که اقلیت های صحرا نشین را به حال خود رها کرده اند؟ درمورد عناصر الجزایری جهادگر در این منطقه، این نیز میراث کودتای ارتش الجزایر در ژانویه 1992 علیه حزب اسلام گرایی است که به شیوه دموکراتیک در انتخابات برنده شده بود. الجزایر سال 1992 و مصر سال 2013 نقطه اشتراکی دارند که می توان آن را چنین خلاصه کرد: شما، حزب های اسلام سیاسی، که به قواعد دموکراتیک احترام می گذارید، می توانید در انتخابات شرکت کنید، ولی به هیچ وجه حق ندارید برنده شوید. چنین روندی، به عنوان واکنش، چه نتیجه ای جز رشد جهادگری می تواند داشته باشد؟

این را خوب درک کنیم که در فرانسه یا انگلستان، داعش برای دموکراسی، آزادی، ایوان های کافه ها یا برگزاری کنسرت های ستارگان پاپ، و خلاصه آنچه که غربی ها هستند، پشیزی ارزش قایل نیست. آنچه که می کند واکنشی دربرابر هزاران تُن بمبی است که آنها بر سرشان می ریزند، حمایتی است که از رژیم هایی می کنند که با آنها می جنگند و هرنوع اپوزیسیون، حتی مسالمت جو را سرکوب می کنند.

شجاعت جِرِمی کربین

اینجا به هیچ وجه سعی نمی شود که این سوء قصدها توجیه یا قابل بخشش تلقی شود، بلکه کوشش دراین است که آنها در زمینه ای که بوجود آورنده اش است قرارگیرند. به موارد قاطع آن سوی مدیترانه عوامل ساحل شمالی آن نیز افزوده می شود: عدم عملکرد «همزیستی»، نابرابری در دستیابی به دنیای کار برمبنای این که نام انسان ژان یا محمد باشد، عدم تحمل دربرابر تفاوت ها، که به ویژه با گفتمان حزب های راست افراطی پرهوادار تشدید می شود – و حزب های دیگر با مقاصد انتخاباتی از آنها بهره می گیرند – ازاین جمله اند. تبعیض و نابرابری نسبت به اصلیت قومی همواره یک واقعیت است.

در فرانسه، که پیشتر نیز خاستگاه نجواهایی بوده که کاملا واقعی است، مهر و داغ زدن بر مسلمانان به تدریج درسال های دهه 2000 با جدل درمورد «حجاب» اسلامی افزایش یافته و سپس مسئله محمد مرآ آن را تشدید کرده و سوء قصدهای ژانویه 2015 علیه روزنامه شارلی ابدو و فروشگاه هایپر کاشر خشونت آن را افزایش داده است. با این حال، مکانیسم این روند ساده است: نژاد پرستی و تبعیض درمیان اقلیت ها ایجاد واکنش هایی هویتی می کند که بر داغ و مهر زدن توسط اکثریت مسلط می افزاید و در میان اقلیت پاسخگویی هایی خشونت آمیزتر پدید می آرد. با فراخوان سازمان هایی مانند داعش، پلی بین مسلمانانی که درکشورهایی زندگی می کنند که نیروهای ائتلاف آنها را بمباران می نمایند ایجاد می شود تا خود آنها نیز مرتکب سوء قصد شوند. به این ترتیب، عرضه جهاد بازتابی از تقاضای آن است.

شوربختانه سیاستمداران غربی ای که جرئت کنند بگویند باید از خود درمورد سهم مسئولیت در گسترش جهادگری پرسش کرد بسیار کمیابند. در انگلستان، جرمی کربین، رهبر حزب کارگر، درماه مه گذشته در گرماگرم کارزار انتخاباتی مجلس عوام، این خطر را پذیرفت و آشکارا در مورد ارتباط بین آنچه که کشورش در «شرق» می کند و افزایش سوء قصدها در خاک انگلستان سخن گفت:

«کارشناسان بسیاری، ازجمله خبرگان دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی ما، تاکید کرده اند که بین جنگ هایی که انگلستان در کشورهای دیگر انجام داده یا از آنها پشتیبانی نموده، و تروریسمی که در خاک خودمان انجام می شود ارتباط وجود دارد. این برآورد به هیچ وجه از خطای کسانی که به کودکان ما حمله می کنند کم نمی کند [...] اما درک آگاهانه عوامل تروریسم بخشی اساسی از پاسخ کارآمد است که امنیت مردم ما را حفظ می کند و بیش از آن که تروریسم را تغذیه کند، با آن به نبرد می پردازد (1)».

در فرانسه، امانوئل ماکرون، نامزد انتخابات ریاست جمهوری هم به نوبه خود در سایت انتخاباتی اش تاکید می کرد که «شبکه های تروریستی القاعده و داعش مسئله ای راهبردی برای فرانسه است (...) با بیان این مطلب، باید این را درک کرد که چگونه و چرا در فرانسه عرصه مساعد وجود دارد و چرا مسئولیت این "عرصه" با ما است». به عبارت دقیق تر، او پرسشی درمورد عدم عملکرد جامعه فرانسه مطرح می کرد که این عرصه را تغذیه می کند:

«باید رودررو با این واقعیت روبرو شد که جامعه و اقتصاد ما نیز دچار ازهم پاشیدگی شیرازه و محروم سازی افرادی شده که می تواند برخی از آنان را تاحد وحشیگری بکشاند(...) آگاهی از منابع داخلی تروریسم، شامل پذیرش مسئولیت و اندیشیدن ژرف تر به پاسخگویی به تروریسم نیز هست. اگر جمهوری ما بخشی از جوانان را به حال خود رها نمی کرد، ایدیولوژی اسلامی به موفقیت در میان جوانان فرانسوی دست نمی یافت».

غیاب اندیشمندی سیاسی

امانوئل ماکرون درباره مداخلات خارجی کنونی فرانسه مربوط به مبارزه علیه تروریسم هم می گفت: «اگر راه حل دیپلوماتیک و سیاسی در این زمینه داشته باشیم، همواره دچار این خطا می شویم که به راه حل های نظامی ای متوسل شویم که فقط کوتاه مدت است».

آیا راه حل هایی سیاسی که ساخته و پرداخته و به کار گرفته شده در میدان عمل باشد و به موازات مداخلات نظامی علیه جهادگری به کار گرفته شود و حتی بتواند زمینه سیاسی آن را بخشکاند وجود دارد؟ به موازات بمباران هایی که فرانسه در آنها شرکت دارد، پشتیبانی بدون مابه ازای سیاسی – و نه بازرگانی- از مارشال السیسی در مصر، امیر نشین های خلیج [فارس]، رژیم حاکم بر عراق، نرم شدن موضع در برابر بشار اسد – که از داعش و جبهه النصره استفاده کرد و موجب جهش آنها شد-؛ حمایت از دولت مالی بدون آن که این دولت سرانجام به وعده های خود احترام بگذارد، وعده هایی که دهه ها است انجام نشده، مشکلاتی که برای مردم توآرگ ایجاد کرده، خوش خدمتی سیستماتیک نسبت به دولت اسراییل، درحالی که این دولت از پنجاه سال پیش به طور مداوم حقوق بین المللی را در مناطق اشغالی فلسطین زیرپا می نهد... آیا همه اینها سبب نضج جهادگری ای نمی شود که همه این رژیم ها مانند مداخلات نظامی کنونی غرب از آن نگهداری می کنند؟

به پرسش: آیا جهادگری در غرب به ارزش ها حمله می کند؟ پاسخ این است که: نه ارزش هایی که ادعا می شود، بلکه روش کاربرد آنها. اعم از این که این امر در غرب یا شرق باشد، فقط راه حل های پلیسی و نظامی علیه جهادگری همواره به بن بست می خورد و آن را تغذیه می کند. تا زمانی که «غرب» به سیاست هایی ادامه می دهد که در ایجاد تروریست ها مشارکت دارد، «اینجا» و «آنجا» سوء قصدهایی در خاک همه ارتقاء دهندگان جنگ – بی پایان – علیه تروریسم انجام خواهد شد.

**ORIENT XXI – - 21 ژوئن 2017**